

An analysis of the memory of Hazrat Hamza (AS) in the tradition of the Holy Prophet and the Ahl al-Bayt (PBUH) and its functions in the time of the Infallibles

Mohammad Saeed Nejati¹

Received: 2021/01/06 | Accepted: 2021/03/08

(DOI): [10.22034/SKH.2021.6421](https://doi.org/10.22034/SKH.2021.6421)

Original Article

P 52 - 71

Abstract

This article, uses the method of libraries and historical analysis in response to the question that what were the functions of Hamza's mention in the words and manners of the Holy Prophet and his family? is written. The answer to this analytical question and from the perspective of social functions; Emotional; Cultural-epistemological and political in the age of the Infallibles, these notes are in various forms, giving titles, mentioning virtues, crying and mourning, pilgrimage, blessing, remembering in times of suffering and hardship, arguing for kinship with Hamza and being proud of it, and so on Which is unique in terms of analysis and perspective and has a new comment.

Keywords: Hamzeh Seyed Al-Shohada, Titles of Hamza, Mentioning the virtues of Hamza, Hamza in the eyes of the Prophet, Hamza and the Ahl al-Bayt (PBUH)

¹-Doctor of Islamic History, member of the History and Life Department of Hajj and Pilgrimage Research Institute. Qom, Iran

ms.nejati@hzrc.ac.ir



تحلیلی از یادکرد حضرت حمزه (ع) در سنت پیامبر اکرم و اهل بیت (ع) و کارکردهای آن در عصر معصومان

محمدسعیدنجاتی^۱

شناسه دیجیتال (DOI): [10.22034/SKH.2021.6421](https://doi.org/10.22034/SKH.2021.6421)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۷ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۷/۱۸

نوع مقاله: علمی پژوهشی

ص: ۷۱/۵۲

چکیده

این مقاله، با روش تحلیل کتابخانه‌ای تاریخی، در پاسخ به این سؤال نگاشته شده که یادکرد حمزه (ع) در کلام و سیره پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)، چه کارکردهایی داشته است؟ پاسخ به این سؤال تحلیلی است و از زاویه‌ی کارکردهای اجتماعی، عاطفی، معرفتی-فرهنگی، سیاسی در عصر معصومان، در قالب‌های مختلفی چون اعطای لقب، ذکر فضائل، گریه و سوگواری، زیارت، تبرک جستن، یاد کردن به هنگام مصائب و شادان، استدلال به خویشاوندی با حمزه و افتخار به آن و... بیان شده که از نظر تحلیل و زاویه نگاه، منحصر به فرد و دارای دیدگاه جدیدی است.

واژه‌گان کلیدی: حمزه سیدالشهدا؛ القاب حمزه؛ ذکر فضائل حمزه؛ حمزه در نگاه پیامبر، حمزه و اهل بیت (ع).

۱- دکترای تاریخ اسلام، عضو گروه تاریخ و سیره پژوهشکده حج و زیارت، قم، ایران ms.nejati@hzrc.ac.ir



مقدمه

جناب حمزه سیدالشهدا، از چهره‌های برجسته‌ی تاریخ و فرهنگ اسلامی و از معدود خویشان همراه رسول مکرم است که جان خویش را در راه آن حضرت فدا کرد. یادکرد حمزه در پرتوکارکردهای مختلفی در عصر معصومان دیده می‌شود که می‌توان با فهرست کردن و بررسی این یادکردها، تحلیلی در رابطه با کارکردهای مختلف آن در عصر معصومان ارائه داد و این امر همان هدفی است که این نوشته دنبال می‌کند. برای تبیین جایگاه ایشان، سنت به‌جای مانده از معصومان -شامل سخنان و سیره عملی آن بزرگواران- در محورهای مختلفی مرور و بررسی شد. پس از جمع‌آوری و تحلیل این گزارش‌ها این نتیجه حاصل شد که می‌توان یادکرد حضرت حمزه در سیره معصومان را در کارکردهای زیر دسته‌بندی کرد: کارکرد اجتماعی؛ کارکرد عاطفی؛ کارکرد معرفتی-فرهنگی؛ کارکرد سیاسی. در ادامه، گزارش‌های مربوط به یادکرد حمزه در سیره معصومان و زمانه‌ی ایشان، در ذیل این کارکردها تحلیل می‌شود.

با توجه به جایگاه محوری پیامبر اکرم و اهل بیت آن حضرت، در این پژوهش نویسنده بر آن است که پایگاه فرهنگی و معنوی حمزه را در کلام و سیره‌ی این بزرگواران تبیین کند. برای انجام این کار، پس از مرور تمام روایاتی که درباره‌ی حمزه از معصومان باقی مانده، زمان صدور روایات بر اساس شرایط سیاسی و اجتماعی و بازتاب آن در رویکردهای مختلف تطبیق و بررسی گردید تا کارکردهای مختلف این یادکردها با توجه به آن تحلیل شود.

این تبیین از یکسو روشن‌کننده جایگاه فاخر و برجسته‌ی حمزه سیدالشهدا در فرهنگ اسلامی است و از سوی دیگر شیوه‌ها و الگوی عملی پاسداشت یاد شهیدان را در سیره‌ی معصومان نشان می‌دهد.

متأسفانه در این زمینه کتاب یا مقاله و رساله‌ای که به‌طور اختصاصی به موضوع پرداخته باشد، یافت نشد. تنها مقالات یافت شده به این شرح است: مقاله «تلاش دشمنان برای مخدوش کردن شخصیت حضرت حمزه علیه‌السلام» از محمدصادق نجمی، میقات حج بهار ۱۳۸۳ - شماره ۴۷ (از ۶۵ تا ۸۶)؛ مقاله «حمزه سیدالشهدا علیه‌السلام»؛ به مناسبت پانزدهم شوال ۱۴۲۶، از فاطمه صالحی؛ مطالعات قرآنی نامه جامعه آبان ۱۳۸۴ - شماره ۱۴ (از ۶۰ تا ۶۵) و مقاله «سالار شهیدان»؛ از محمدهادی مهتدی؛ فرهنگ کوثر بهمن ۱۳۷۶ - شماره ۱۱ (از ۹۰ تا ۹۱) که هیچکدام ارتباط مستقیمی با موضوع پژوهش حاضر ندارد.

الف. کارکرد اجتماعی

مقصود از این کارکرد، جایگاه اجتماعی حاصل از امتیازات مذهبی، اعطای القاب معنوی و ذکر فضائل ملکوتی برای حضرت حمزه است. این کارکرد از یکسو نتیجه‌ی اعتماد و اعتبار اعطاکننده‌ی این القاب و فضائل است و از سوی دیگر نشان دهنده‌ی ساختار دینی جامعه است که ارزش‌های معنوی و ماورایی در آن رتبه رفیعی دارد. در جامعه‌ی دینی اسلامی که محور آن رسول خدا و ارزش‌های معنوی و ملکوتی بود، چه در زمان آن حضرت و چه پس از آن، ذکر فضایل معنوی برای یک فرد یا گروه باعث می‌شد اعتبار بالاتری در جامعه پیدا کند. این مسأله پس از آن حضرت -به‌ویژه از دوران خلافت عمر به بعد- رواج یافت که بر اساس نزدیکی به رسول الله پرداخت عطایایی به افراد شکل گرفت و شئون خاصی برای اهل بدر و مهاجران و سابقان در اسلام تعیین شد.

ذکر فضائل حمزه در کلام رسول الله (ص):

ذکر فضائل حمزه توسط رسول الله، از طرفی تأیید روش و رفتار جانبازانه‌ی وی و از طرف دیگر تشویق دیگران به پیمودن این روش بود. پس از رسول الله، این کارکرد به کارکرد افزودن به افتخارات و جایگاه اهل بیت پیامبر (ع) ضمیمه شد و با ذکر این فضائل و شواهد، جایگاه معنوی و ملکوتی حمزه برای همگان بیشتر هویدا شده و شخصیت او برجستگی یک اسطوره معنوی و ملکوتی را پیدا کرد. باید توجه داشت که این فضائل از قول "صادق مصدق" بیان شده و در درجه وحی الهی اعتبار داشته و مانند القاب و عناوین دنیوی، مثنی القاب پوچ و تشریفاتی نیست، بلکه نمایشگر جایگاه ملکوتی و مقامات معنوی و حقیقی حضرت حمزه است که نه به خاطر قرابت با رسول الله بلکه به برکت اعمال صالح و نیت صادق خود به آن دست یافت. بیان این فضائل که اغلب آن به صورت ویژه به حمزه اختصاص یافته، هم بعدی مذهبی و دینی دارد و هم موجب ارتقای جایگاه اجتماعی ایشان و خاندان شان می‌شود.

ازجمله روایات در باب فضائل حمزه در کلام رسول الله:

از برگزیدگان بنی عبدالمطلب در بهشت (طبری، ۱۴۱۴، ۶۱۲)؛ حمزه محبوب‌ترین عموها (ابن اشعث، بیتا، ۱۹۹)؛ ثبت سیادت حمزه در آسمان‌ها (ابن کثیر، بیتا، ج ۴: ۴۰)؛ نقل سخن فرشتگان درباره سروری حمزه بر شهیدان (ابن حیوان، ۱۳۸۵، ج ۱: ۱۱۹)؛ (روایت اخیر با عبارت‌های مشابه در منابع متعددی نقل شده است). (ابن طاووس، ۱۳۸۴، ۳۴۳) یکی از

چهارسواره پرافتخار عرصه قیامت، (ابن عقده، ۱۴۲۴، ۱۵)؛ پرافتخار بودن همراهی و رفاقت با حمزه در بهشت. (ابن شاذان، ۱۴۰۷، ۶۴)

ذکر این القاب و فضائل از زبان رسول الله (ص) موجب بالا رفتن جایگاه اجتماعی حمزه در زمان زندگی و پس از شهادتش و تثبیت این فضائل برای وی، به شکلی غیرقابل انکار شد؛ به گونه‌ای که لشکر معاویه نتوانستند مقام شهادت یا جایگاه وی را به هنگام شهادت عمار در صفین انکار کنند و تفاخرات متعدد امیرمؤمنان و سایر معصومان به حمزه، به خصوص در محاجه با مخالفان، نشان از این جایگاه والا دارد که در ادامه مقاله به آن اشاره خواهد شد. این مسأله به ویژه از آن روی قابل توجه است که بسیاری از فضائل امیرمؤمنان بعدها کتمان شد.

با توجه به گزارش‌های موجود از غزوه بدر (سال دوم ه.ق)، حمزه به هنگام هم‌اوردی با عتبه بن ربیع، در معرفی خود از لقب «لقب اسدالله و اسد رسوله» استفاده کرده است (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲: ۱۲ و واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۶۸) که نشان می‌دهد، این لقب پیش از جنگ بدر برای وی به کار می‌رفته و بدان شناخته می‌شده است. ولی پس از شهادت وی، بنا بر روایاتی، رسول الله این لقب را لقبی جاودانه و آسمانی برای حمزه دانست. (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۹۰)

یادکرد حمزه با اعطای لقب سیدالشهدا از سوی رسول خدا (ص):

بنا بر روایات متعددی از رسول الله نقل کرده‌اند، آن حضرت لقب سیدالشهدا را به حمزه اعطا کرد. با بررسی خانواده‌ی این روایت می‌توان سه گونه نقل از آن را یافت: روایت اول از علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام و روایت دوم از انس بن مالک (ابن بابویه الف، ۱۳۷۶، ۴۷۵) به صورت مطلق و بدون قید و شرط آمده است؛ «سیدالشهدا حمزه بن عبدالمطلب» (طبرانی الف، ۱۴۰۴، ج ۳: ۱۵۱)

روایت دوم از ابن عباس است که این صفت را مربوط به روز قیامت دانسته و آمده است که: «سیدالشهدا یوم القیامه حمزه بن عبدالمطلب». بر اساس این روایت، صفت سیدالشهدایی حمزه اولاً مربوط به روز قیامت است که جایگاه والای حمزه و برتری مطلق او را بر همه شهدایی که در روز قیامت محشور و مجموع خواهند شد نشان می‌دهد. از سوی دیگر در این روایت در کنار حمزه به عنوان سیدالشهدا، از یک عنوان عام - نه شخصیتی خاص - نیز یاد شده که عبارت است از مردی که پیشوایی ستمکار را امر به معروف و نهی از منکر کند و آن ستمکار مرد را به قتل برساند. (طبرانی الف، ۱۴۱۵، ج ۴: ۳۳۸) همین روایت از جابر بن عبدالله انصاری نیز روایت شده است. (الزبلی ب، ۱۴۱۵، ج ۵: ۳۶۹)

در اصول کافی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸: ۵۰) و تفسیر قمی نیز این لقب، ضمن خطبه‌ای مفصل از رسول الله (صلی الله علیه و آله) بدون قید و شرط برای جناب حمزه نقل شده است. هرچند این لقب در روایاتی غریب و نادر درباره‌ی مهجع بن عبدالله - غلام آزادشده عمر و اولین شهید مسلمانان در غزوه بدر (الزیلعی ب، ۱۴۱۴، ج ۳: ۳۹) و خیب بن عدی انصاری (ابن حجر، بیتا، ج ۲: ۱۹۷)، از شهدای اسلام نیز به کار رفته است، اما این موارد به دلیل بی‌اعتنایی و عمومیت نیافتن، قابل توجه و اتکا نیست.

لقب «سیدالشهدا» پس از حمزه، در ادبیات معصومان تنها درباره‌ی دو نفر دیگر یعنی امام علی (ع) و امام حسین (ع) به کار رفته است؛ به عنوان مثال در زیارتی از امام صادق (ع)، امیر مؤمنان سیدالشهدا خوانده شده است (ابن مشهدی، ۱۴۱۹، ۲۰۶) که نشان می‌دهد، مقصود از صفت سیدالشهدا، برای حضرت حمزه، سیادت شهیدان در دوران رسول الله (ص) (ابن ابی - الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۳: ۲۷۵) و یا در میان شهیدانی به جز انبیا و اوصیای آنان است. دلیل این تفسیر، برتری قطعی و بی چون و چرای امیر مؤمنان و امام حسین علیهما السلام (ابن قولویه، ۱۳۵۶، ۱۰۹) بر جناب حمزه است که از حجم گزارش‌ها و روایات فراوانی که درباره‌ی این دو بزرگوار نقل شده، هویدا است.

ب. کارکرد عاطفی

بنا بر نگرش متکامل دین اسلام نسبت به همه‌ی ابعاد وجودی انسان، اسلام نسبت به بعد عاطفی آدمی نیز دستورالعمل‌ها و مناسکی دارد. یکی از راه‌های کشف نگرش سیره‌ی معصومان در مواجهه با این بعد از وجود انسان است. تبلور این بعد را می‌توان در لحظات عاطفی انسان از جمله در شادی‌ها و غم‌ها و عزاداری در هنگامه‌ی مصائب و مرگ یافت. از این رو مرور این گونه لحظات از زندگی معصومان (ع) که با یاد حمزه (ع) قرین بوده، هم تبلوری از بعد عاطفی معصومین است و هم الگویی از رفتار عاطفی را از نگاه اسلام - هم‌زمان با تبیین جایگاه ویژه‌ی حمزه نزد معصومان - نمایش می‌دهد.

یاد کردن از حمزه به هنگام وفات

وفات و جان دادن، از حساس‌ترین لحظات زندگی هر انسانی است؛ به‌ویژه که این انسان، معصوم و از بندگان عالی‌مقام الهی باشد. یقیناً شخصی که عمری را در راه قرب الهی گام برداشته، در لحظات پایانی عمر، از حال ویژه‌ای برخوردار است و به توفیق الهی، بهترین اعمال و

حالات را در لحظات احتضار نمایش می‌دهد. اینکه تعدادی از معصومان در لحظات حساس پایان عمر مبارک خود، از حضرت حمزه یاد می‌کردند از یکسو نشانگر ارتباط عاطفی عمیق میان ایشان و حضرت حمزه است و از سویی جایگاه والای ملکوتی حمزه را نشان می‌دهد و از دیگر سوی، الگویی عملی برای پیروان و محبان معصومان است. از این جمله است:

نام بردن رسول الله (ص) از حمزه در مرض منتهی به وفات. (ابن بابویه ب، ۱۳۹۵، ج ۲: ۴۱۲)

یاد کردن امیر مؤمنان (ع) از حمزه در هنگام ضربت خوردن. (شامی، ۱۴۲۰، ۴۱۸)

یاد کردن امام حسن مجتبی (ع) از حمزه به هنگام شهادت. (ابن عبدوهاب، بیتا، ۶۵ و

بحرانی، ۱۴۱۳، ج ۳: ۳۷۲)

عزاداری و سوگواری بی نظیر پیامبر اکرم بر حمزه

گریستن و سوگواری، از طبیعی‌ترین واکنش‌های بشری نسبت به مصیبت‌ها و حوادث غم‌انگیزی مانند از دست دادن عزیزان و خویشاوندان، است. حزن و اندوه پیامبر اکرم (ص) به هنگام فراق عزیزانش چون ابوطالب و خدیجه (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱: ۴۵۱) و گریه‌ی او بر فرزندان‌شان ابراهیم و رقیه گزارش شده (ابن عبدالبر، بیتا، ج ۴: ۱۸۴۱) و آن حضرت با تکیه بر منطق محبت و اینکه کسی که محبت نورزد مورد رحمت قرار نخواهد گرفت، با نمایش سوگواری، آن کسانی را تخطئه کرد که به ایشان برای گریه بر فرزندان‌شان اعتراض کرده بودند. (بلاذری، ۴۱۷، ج: ۴۵۲ و ابن سعد: ۱۴۱۰، ج ۱: ۱۱۰) آن حضرت تسلیت دادن به سوگواران را سنتی حسنه می‌دانستند و به آن تشویق می‌کردند و در سخنان پیامبر اکرم است که فرمود: «هرکس سوگواری را تسلی دهد، همانند اجر او را دارد». (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۳: ۲۰۵) و «هرکه برادر مؤمن خود را در سوگی تسلی دهد، خدای عزوجل در روز قیامت حله‌ای سبزرنگ و شادی‌آور بر او بپوشاند.» (شهیدثانی، بیتا، ۱۱۶) و نیز «کسی که فرد اندوهگینی را تسلیت دهد، خداوند متعال او را با جامه‌ای از لباس تقوا بپوشاند و بر روح او میان ارواح درود فرستد». (همان، ۱۱۵)

ولی آنچه درباره‌ی سوگواری آن حضرت، بر حمزه نقل شده، حاکی از اهتمام و تأکیدی بسیار فراتر از دیگران بوده است.

بنا به نقل واقدی، وقتی صفیه خواهر حمزه بر بالین او آمد و گریه کرد فاطمه زهرا و رسول خدا نیز در کنار او بودند و با گریه‌اش گریه می‌کردند و با شیونش، شیون سر می‌دادند (که در موارد دیگر کم‌سابقه یا بی‌سابقه است) و رسول الله (ص) تکرار می‌کرد که مصیبتی مانند مصیبت تو را نخواهم دید. (به معنای اینکه این مصیبت بزرگترین مصیبت عمرم است). (واقدی، ۱۴۰۹، ج ۱: ۲۸۹)

آن حضرت پس از بازگشت از معرکه‌ی احد، نماز مغرب را در مدینه خواندند و صدای گریه‌ی انصار را شنیدند که بر شهدای خود (که بیشتر شهیدان غزوه‌ی احد بودند) نوحه‌خوانی می‌کردند و می‌گریستند. در این هنگام پیامبر اکرم با حسرت فرمود: «حمزه گریه‌کنی ندارد» سعد بن معاذ و اسید بن حضیر از سران انصار با شنیدن این سخن، زنان انصار را واداشتند تا به در خانه‌ی رسول‌الله آمدند و برای حمزه سوگواری و گریه سر دادند و رسول خدا آنان را دعا کردند و بازگردانند. (ابن هشام، بی‌تا، ج ۲: ۹۹) ابن سعد (متوفی ۲۳۰ق) نقل می‌کند که تا زمان او اگر کسی از اهل مدینه، از دنیا می‌رفت، زنان مدینه ابتدا بر حمزه و سپس بر مرده‌ی خود سوگواری می‌کردند. (ابن سعد، ۱۴۱۰، ج ۲: ۳۴)

سوگواری و گریه‌ی آن حضرت بر حمزه و تشویق ضمنی زنان مدینه در گریه و نوحه‌سرایی بر حمزه، علاوه بر اثبات مشروعیت این عمل، استحباب و پسندیده بودن آن را نیز نشان می‌دهد. چنانکه در مثال‌های آتی الگوگیری اهل بیت پیامبر از ایشان را می‌توان دید. گریه‌ی شدید و سوگواری حضرت فاطمه بر مزار حمزه که در وصف آن گفته شده که بند دل‌ها را پاره می‌کرد. (خزار رازی، ۱۴۰۱، ۱۹۸)

سوگواری و عزاداری، بار معرفتی نیز دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

یاد از مصیبت حمزه در اوج سختی‌ها

یادکرد رسول اکرم در غزوه‌ی خندق از مصیبت حمزه به هنگام استغاثه به درگاه خدا. (ابن عقده، ۱۴۲۴، ۷۹)

استغاثه نوعی یاری خواستن به همراه زاری و التجا و پناه بردن به درگاه خداوند است. یادکرد رسول‌الله از مصیبت حمزه، در حال استغاثه از خداوند- با وجود مصیبت‌ها و رنج‌های فراوان آن حضرت- نشان از جایگاه والای حمزه و سختی مصیبت او برای رسول خدا دارد؛ به گونه‌ای از آن برای نشان دادن بی‌پناهی و درماندگی خود به درگاه خداوند توانا یاد می‌کند. البته رسول‌الله به صراحت نیز فرموده بود که «لن اصاب بمثلک ابدا» (یعقوبی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۴۷) (هرگز مصیبتی بالاتر از مصیبت تو نخواهم دید) که باز تأییدکننده‌ی همین تحلیل است.

شکایت زینب کبری (سلام الله علیها) به حمزه در مصیبت امام حسین علیه السلام (ابن طاووس، ۱۴۲۰، ج ۴۵: ۵۸)

یادکرد زینب کبری از عموی پدر و مادرش -حمزه- در آن شرایط سخت، هم نشان‌دهنده‌ی رابطه‌ی عاطفی و معنوی قوی میان زینب و حمزه و هم نمایانگر جایگاه ویژه‌ی حمزه از لحاظ

نجاتی: تحلیلی از یادکرد حضرت حمزه (ع) در سنت پیامبر اکرم و اهل بیت (ع) و کارکردهای... ۶۰

تکیه‌گاه بودن، در ذهن و ناخودآگاه حضرت زینب است که در میانه معرکه و در مواجهه با شدیدترین و جانگدازترین مصائب، در کنار شکایت به خدا و رسول و پدرش علی (ع)، از حمزه یاد می‌کند.

ج. کارکرد معرفتی - فرهنگی

مراد از این کارکرد، تبیین یادکرد حمزه در سیره‌ی معصومان است، ناظر بر بار معرفتی و فرهنگی آن؛ بدین معنا که در نگرش و معرفت انسان نسبت به رفتارهایی مانند تبرک جستن، زیارت و توسل به اولیا و صالحین و انبیای الهی تأثیرگذار است. ریشه‌های رفتار افراطی و انکارآمیز امروزی را درباره‌ی این آموزه‌ها که در گروه‌هایی مانند وهابیت جلوه‌گر است، در صدر اسلام می‌توان یافت و یادکرد حمزه در قالب این امور، به نحوی مبارزه با این جریان تندرو نیز خواهد بود.

تبرک جستن و زیارت اهل قبور، از رفتارهای فرهنگ‌سازی است که ریشه در تعالیم قرآن کریم دارد. این رفتارها باعث تعمیق این قبیل باورهای انسانی و تحکیم اعتقادات نسبت به معنویت و عالم غیب می‌گردد. از سوی دیگر افرادی که نماد و ملجای این نوع تبرک شناخته شده‌اند، به‌عنوان معیار و الگویی برای هدایت، به جوامع انسانی معرفی می‌شوند و از پس این نوع فرهنگ‌سازی، آثار تمدنی شکل می‌گیرد. چنانکه حرم‌ها و بارگاه‌های معروف جهان اسلام که نماینده‌ی فرهنگ اسلامی است برخاسته از فرهنگ زیارت است. اما در مقابل، رفتارهایی در میان برخی از صحابه دیده می‌شود که برخلاف تعالیم الهی و سنت پیامبر، با ظاهری دیندارانه به مبارزه با فرهنگ تبرک و زیارت و یاد بزرگان دین می‌پردازد؛ رفتارهایی که می‌توان خاستگاه آن را افزون بر رقابت سیاسی، در تعصب قبیله‌ای و ناآشنایی با بعد عاطفی و عمیق اسلام دانست. چنانکه خلیفه‌ی دوم، زنان را از گریه بر ابوبکر باز داشت و وقتی فرمانش را نبردند با ضرب تازیانه آنان را متفرق کرد (طبری ب، بیتا، ج ۴: ۳) و به هنگام استلام حجرالاسود و تبرک به آن نیز، حجرالاسود را سنگی دانست که تنها براساس سنت پیامبر آن را لمس کرده و می‌بوسد، ولی امام علی علیه السلام او را نسبت به خطایش آگاه ساخت و جایگاه ویژه و قدسی حجرالاسود را برای وی بیان کرد. (ازرقی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۳۲۴ و ابن عساکر، ۱۴۱۵، ج ۳: ۳۹) هنگامیکه ابو ایوب انصاری به قبر مطهر رسول الله تبرک جست با اعتراض مروان مواجه شد که خود مطرود رسول الله بود و در آن روزگار حاکم مدینه شده بود. ابویوب ضمن تبیین اعتقاد خود در تبرک جستن به مزار مطهر پیامبر اکرم، ناشایستی عمل مروان را نسبت به این اعتراض گوشزد کرد. (ابن حنبل، ۱۴۳۱، ج ۵۵۸: ۳۸)

عزاداری و سوگواری برای حمزه

شرح و توضیح این عنوان پیش تر در طی شرح عناوین قبلی آورده شد.

تبرک جستن فاطمه زهرا به تسبیح خاک قبر حمزه (طبرسی ب، ۱۳۷۰، ۲۱۸)

ساخت تسبیح از خاک مزار حضرت حمزه، توسط شخصی چون سیده زنان عالمیان، از سویی یادآور و نمایشگر ایثار و شهادت و رشادت در خاندان اهل بیت است و از سوی دیگر باعث ماندگاری یاد حمزه در میان پیروان و محبان حضرت زهرا و ذریه‌ی ایشان شد؛ به گونه‌ای که گویا تا شهادت امام حسین و استفاده از تربت حسینی برای تبرک، سنت حضرت زهرا (ع) در میان خاندان و پیروان‌شان ادامه داشت. (همان)

فرهنگ‌سازی برای زیارت حمزه

زیارت هفتگی (بنا بر برخی روایت‌ها هر صبح شنبه) (ابن بابویه ج، ۱۴۱۳، ج ۱: ۲۸۰، و طوسی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۶۵) و سالانه‌ی (ابن حیوان، ۱۳۸۵، ج ۱: ۲۳۹) حضرت فاطمه از قبر حمزه و تشویق امام صادق (ع) به زیارت حمزه، به عنوان یکی از مزارات مدینه. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴: ۵۶۰)

سنت زیارت حمزه این گونه ادامه یافت و یکی از حرکات فرهنگ‌ساز در تاریخ مدینه و تاریخ اهل بیت شد که به باقی ماندن یاد و جاودانگی حضرت حمزه در طول تاریخ اسلام، کمک شایانی کرده است؛ به طوری که این سنت تا سال‌ها بعد نیز در میان اهل مدینه ماندگار بود.

تشویق به الگوگیری از حمزه در شناخت مبانی اعتقادی

در روایتی از امام باقر (ع) از آموزش تفصیل اعتقادات به حمزه پیش از شروع جنگ بدر، گزارشی آمده است. پیامبر اکرم، حضرت علی و حضرت فاطمه و حمزه را فراخواند و از آنها بیعتی دوباره خواست، وقتی جناب حمزه از دلیل بیعت دوباره پرسید، رسول الله به او فرمود ای شیر خدا و رسول، در این مرحله برای اظهار وفای به عهد و استقامت در راه پیامبر بیعت می‌کنید که باعث کامل شدن ایمان تان است. در این هنگام علی و حمزه بیعت کردند و رسول خدا فرمود علی امیر مؤمنان است و حمزه سیدالشهداست... در ادامه این روایت امام باقر (ع) نقل فرموده: شبی که فردایش حمزه به شهادت رسید، رسول خدا او را فراخواند و ضمن خبر دادن از شهادت زود هنگامش، با او از تفصیلات بیشتری از اعتقادات و معارف دین سخن گفت؛ از جمله از امامت امامان بعد از رسول الله و نیز از اینکه عموی پیامبر حمزه سید شهیدان و شیر خدا و رسولش است. (ابن طاووس ب، ۱۴۲۰، ۱۲۷، و مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲: ۲۷۹)

تشویق به الگوگیری از حمزه در تعصب دینی

این مسأله، هم در کلام امیرمؤمنان (ع) دیده می‌شود و هم در کلام امام سجاد (ع)؛ امام علی درباره‌ی بی‌یاوری خود در ماجرای سقیفه فرمود: اگر حمزه و جعفر زنده بودند کسی در تغییر مسیر خلافت طمع نمی‌کرد ولی من تنها دو یاور ناتوان و کم‌شور در میان خویشان خود داشتم. (ابن حجر، بیتا، ۷۳).

هم چنین امام سجاد (ع) فرمود: انسان متعصب هیچ‌گاه وارد بهشت نمی‌شود مگر حمزه که به خاطر تعصبش نسبت به رسول خدا (به هنگام اهانت قریش به آن حضرت) ایمان آورد. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ۳۰۸)

د. کارکرد سیاسی

از آنجا که حکومت‌های اسلامی پس از رسول‌الله، با ادعای جایگاه دینی خلافت رسول‌الله شکل گرفته بود، فضیلت و جایگاه معنوی و دینی، رابطه‌ی مستقیمی با مشروعیت سیاسی حکمرانان داشت. با توجه به اینکه ائمه معصومین - به‌طور مستقیم و علنی در دوران امام علی و امام حسن و امام حسین - و به‌طور ضمنی و غیرمستقیم - در زمان ائمه بعدی - رقیبان اصلی خلافت محسوب می‌شدند، اثبات فضیلت دینی برای آنان، نوعی عمل سیاسی در جهت تقویت مشروعیت بیشتر امامان، نسبت به حکمرانان وقت‌شان تلقی می‌شد. از این‌رو، اثبات فضیلت معنوی پذیرفته‌شده برای آنان را در کنار بعد معنوی آن، می‌بایست دارای بار سیاسی نیز دانست. گرچه روایات فضائل امامان اهل بیت (ع)، به‌ویژه امیر مؤمنان و امام حسن و امام حسین علیهم‌السلام، بیشتر و بالاتر از حمزه بود، اما عواملی چون حجاب معاصرت و سیاست، منع روایت و کتابت حدیث از زمان خلیفه‌ی اول و دستگاه جعل حدیث و فضیلت‌تراشی اموی، در دوره‌ی بنی‌امیه، باعث شده بود که عموم مردم از این فضائل و جایگاه، بی‌خبر باشند. از این‌رو فضیلت‌های مورد اتفاق نظر عموم مردم، از جمله مواردی بود که اهل بیت می‌توانستند برای اثبات جایگاه دینی - سیاسی خود به آن استناد کنند. یادآوری خویشاوندی امامان اهل بیت با حمزه و افتخار به خویشاوندی با او، با وجود فضائل بیشتری که خود داشتند، در این شرایط و گفتمان قابل درک و تفسیر است.

بیان این نکته حائز اهمیت است که پس از امیر مؤمنان، بنی‌امیه به قدرت رسیدند؛ خاندانی که از یکسو عزیزان‌شان را به دست حمزه و علی در جنگ بدر از دست داده بودند و از سوی دیگر

با ارتکاب جنایت هولناک به دندان کشیدن جگر حمزه توسط هند جگرخوار، ننگ زاده‌ی وی بودن را تا ابد به دوش می‌کشیدند. از هردو منظر، یادکرد حمزه و تفاخر به وی و ذکر فضائل ایشان، به‌نوعی مبارزه منفی با امویان محسوب می‌شد و همین امر به‌روشنی می‌تواند کارکرد سیاسی این مسأله را روشن کند. از این رو، یکی از پرتکرارترین مواردی که در موضع‌گیری‌های ائمه در برابر بنی‌امیه قابل رصد است، یادکرد از حمزه و فضائل او و جایگاهش نزد رسول‌الله (ص) است. طبیعی است که در مقابل، نزد بنی‌امیه حمزه باید بدترین و منفورترین افراد تلقی شود.

از این منظر ذکر فضائل حمزه پس از رسول خدا، بیشتر کارکرد کسب محبوبیت اجتماعی-سیاسی داشته و باعث دفاع از جایگاه اهل بیت در برابر مخالفان بود.

البته این تنها دلیل، برای یادکرد حمزه و ذکر فضائل او نیست، بلکه شرایط خاصی که در سیره‌ی پیامبر و اهل بیت در رابطه با رفتار آنان در قبال حمزه حاکم بود، رابطه معنوی و عاطفی شدید میان حمزه و پیامبر و اهل بیت را نیز نشان می‌دهد. در ادامه این موضع‌گیری‌ها را مرور می‌کنیم.

در زمان امیرمؤمنان و یاران آن حضرت

یادکرد امیر مؤمنان از خویشی خود با حمزه به‌عنوان یک مزیت در شورای خلافت عمر (ابن حیوان ب، ۱۴۰۹، ج ۲: ۱۸۶)

قابل توجه است که روایت مناشدۀ که متضمن حدیث غدیر نیز هست، در منابع متعددی نقل شده است. (ابن بابویه د، ۱۳۶۲، ج ۲: ۵۵۴، و الذهبی، بی‌تا، ج ۲: ۱۵۶)

ذکر فضائل حمزه در روز فتح بصره برای مردم. (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ۴۵۰)

ذکر فضائل اهل بیت به‌ویژه علی و حمزه که نماد مخالفت با بنی‌امیه- دست‌کم در نگاه بصریان- بودند، استفاده از جایگاه والای حمزه را به نفع جبهه‌ی اهل بیت می‌رساند؛ به‌ویژه که شروع این خطابه با سؤال و ایجاد انگیزه در مخاطب شکل می‌گیرد و جناب عمار و ابو ایوب انصاری که در میان جمعیت حاضر بودند، برای ایجاد انگیزه، ضمن تأیید جایگاه ویژه امیر مؤمنان نزد پیامبر، از آن حضرت تفصیل روایت را خواستند. (همان)

یادکرد و افتخار به حمزه در پاسخ به نامه‌ی معاویه که در مورد فضائل پیامبر اکرم و صحابه‌ی آن حضرت نوشته. (صبحی صالح، بی‌تا، ۳۸۶)

افتخار به حمزه در شعری که امام در پاسخ به مفاخره معاویه سرود. (نیشابوری، بی‌تا، ج ۱: ۸۷، و ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۷۰)

یاد کردن از حمزه، مردی که ننگ لقب جگرخواری (آکله الاکباد) را تا ابد به مادر معاویه

تحمیل کرد- که به دلیل تثبیت جایگاه روایت در میان مسلمان، امکان تحریف آن ماجرا برای دستگاه تبلیغاتی اموی میسر نبود- موثرترین و هوشمندانه‌ترین اقدام از جانب امیرالمؤمنین تلقی می‌شد که به صورت ضمنی، هم سابقه و قرابت میان علی و حمزه را نشان می‌داد و هم ضعف و قبح سابقه‌ی معاویه و خاندانش را در خاطره‌ها زنده می‌کرد.

استدلال به شهادت حمزه در پاسخ به مغالطه‌ی معاویه در شهادت عمار.(ابن ابی- الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰: ۳۳۴)

شهادت عمار به دست لشکریان معاویه، با انتشار هم‌زمان روایت مشهور پیامبر، اردوگاه اموی را دچار چالش شدیدی در مشروعیت خود کرد. این چالش در کوران نبرد صفین رخ داد که باعث تزلزل شدید لشکریان معاویه شد و او برای مقابله با این تزلزل ادعا کرد که قاتل واقعی عمار، امام علی و لشکریان آن حضرت است، چرا که وی عمار را به قتلگاه فرستاده است. از آنجا که این استدلال، لشکریان ساده‌لوح معاویه را می‌فریفت، امام با استناد به شهادت حمزه سیدالشهدا در لشکر رسول‌الله (ص) -که واقعه‌ای مشهور و نقش کفار در آن انکار ناشدنی بود- توانست بر این جنگ تبلیغاتی فائق آید.

افتخار به خویشاوندی با حمزه در رجز در نبرد صفین (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۶۷)
ذکر فضائل حمزه در کلام امیرالمؤمنین (ع) به عنوان یکی از هفتاد منقبت انحصاری امیر مؤمنان. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۱: ۴۳۲)

استدلال به خویشاوندی امیر مؤمنان با حمزه در کلام یاران آن حضرت از جمله در کلام فرزند و یاور آن حضرت، محمد (ابن حنفیه)، در خطبه‌ی قیس بن سعد بن عباد -که از شخصیت‌های برجسته انصار و یاران امیر مؤمنان بود- در هنگام بازدید معاویه از مدینه پس از شهادت امیر مؤمنان (ع). ؛ همچنین در نامه‌ی محمد بن ابی بکر در پاسخ به دعوت معاویه از او برای پیوستن به جبهه اموی (مفید الف، ۱۴۱۳، ۱۲۵)

در کلام ابن عباس. (مفید ب، ۱۴۱۳، ج ۱: ۳۷)
این روایت تکرار روایت فضیلتی است که پیش‌تر از رسول‌الله نقل شد؛ اما در آن یک نکته شائبه انگیز وجود دارد؛ این که در آن غیر از قائم آل محمد، از منصور نیز یاد شده است. اگرچه با توجه به سابقه سوء استفاده و تحریفات خلفای عباسی در جهت مشروعیت‌بخشی به خلفای خود (ابوالفرج، بیتا، ج ۱۳: ۱۹۲)، احتمال جعل این قسمت از روایت می‌رود. احتمال دیگر این است که واژه‌ی منصور در واقع صفت دیگری برای قائم اهل بیت بوده و ابن عباس یا راوی دیگری آن

را جدا و مستقل پنداشته است.

در زمان امامان بعدی

یادکرد امام حسن (ع) از حمزه در مجلس بیعت با معاویه و نیز در مجلس مناظره اطرافیان معاویه. (طبرسی الف، ۱۴۰۳، ج ۱: ۲۲۷)

یادکرد امام حسین (ع) از حمزه در روز عاشورا، (ابن بابویه الف، ۱۳۷۶، ۱۵۸) این مسأله در خطابه‌ای دیگر از آن حضرت نیز در روز عاشورا آمده است «أَوَلَيْسَ حمزه سيدالشهدا عَمِّي». (مفید الف، ۱۴۱۳، ج ۲: ۹۷).

یادکرد امام سجاد (علیه السلام) از حمزه در خطابه‌ی مسجد جامع دمشق در حضور یزید و درباریان (خوارزمی، بی‌تا، ج ۲: ۷۶)

فضیلت نگاشته شدن لقب سیدالشهدایی حمزه بر عرش الهی در کلام امام باقر علیه السلام. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲: ۲۸۸)

امام صادق (ع) نیز در روایتی ضمن برشمردن فضائل اهل بیت، از اینکه اسدالله و اسد رسوله و حمزه سیدالشهدا از آنان است به عنوان یکی از افتخارات اهل بیت یاد کرده است. (ابن حیوان، ۱۳۸۵، ج ۳: ۴۰۱)

همچنین در زیارت رسول الله از بعید که منقول از امام صادق است در فرازی پس از سلام به رسول الله و اهل بیتش و سلام به جدش و پدر و مادرش، بر عمویش حمزه سیدالشهدا سلام داده می شود. (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ج ۲: ۶۰۴)

دعبل خزاعی نیز در قصیده‌ی مدارس الآیات که با محتوایی بسیار عالی در حقیقت به نوعی مرامنامه تشیع است و موید به تأیید امام رضا (ع) نیز هست، د دو بیت از این شعر از حمزه نام برده است؛ یکی به هنگام یادکردن از منازل اهل بیت - که با رفتن آنان، گویا ساکت و خاموش و تهی شده است - از خانه‌های علی و حسین و جعفر و حمزه و سجاد نام برده (ابن حیوان، ۱۳۸۵، ج ۳: ۱۷۳) و نیز در فرازی دیگر که اشاره می کند دشمنان اهل بیت به هنگام افتخار کردن، نام محمد و علی و فاطمه و جعفر و حمزه و عباس را می برند «و حمزه و السَّجَّادِ ذی الثَّنَات». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۵: ۲۳۷)

حجم یادکرد از حمزه در نزد امامان بعد از امام حسین (ع) بسیار کمتر از دوران پیش از آن حضرت است؛ از دلایل این قضیه یکی ظهور نقطه عطفی تاریخی چون قیام کربلاست و دیگری به قدرت رسیدن بنی عباس و تغییر کارکرد سیاسی یادکرد حمزه در آن دوران است.

بنی عباس که خود را از اهل بیت پیامبر اکرم می خواندند از ذکر فضائل حمزه سیدالشهدا منتفع می شدند و آن را ابزاری برای تقویت مشروعیت خود می دیدند؛ از این رو کارکرد سیاسی یاد حمزه در این دوره، کاملاً متفاوت با کارکرد آن در دوره بنی امیه بود. از سوی دیگر باید اذعان کرد که مصیبت عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام و یاران گرامی اش و به اسارت رفتن خاندان پیامبر (ص) به گونه ای بود که در آسمان ها و زمین بزرگتر و دلخراش تر از آن، در نزد تشیع وجود نداشت و از آنجا که این حادثه نقطه عطفی در تاریخ اسلام و در اذهان اهل بیت پیامبر اکرم - با همان کارکردهای مصیبت حضرت حمزه اما در افقی وسیع تر و با حجمی بسیار سهمگین تر - تلفی می شد، از این رو با حفظ جایگاه رفیع حضرت حمزه در زمان خود، مصیبت امام حسین (ع) - با توجه به جایگاه مهم آن حضرت در میان مسلمانان - از جایگاه بسیار ویژه و تأثیر گذارتری برخوردار شد. چراکه می توانست کارکردی به مراتب قوی تر داشته باشد؛ به خصوص که شهادت حمزه نسبت به واقعه کربلا، در حدود شصت سال قدیمی تر بود و عمق فاجعه کربلا و شخصیت کانونی آن، عملاً جایگاه برتری داشت. از همین روست که می بینیم حتی عباسیان نیز بیش از آنکه با استفاده از حمزه بخواهند کسب مشروعیت کنند، با شعار یا لثارات الحسین و خوانخواهی قیام امام حسین امویان را شکست دادند. (بلاذری، ۱۴۱۷، ج: ۹، ۳۱۷).

نتیجه

با بررسی روایات و گزارش‌های تاریخی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع) درباره حضرت حمزه در می‌یابیم که یادکرد حضرت حمزه در سیره‌ی معصومان، کارکردهای مختلفی داشته است؛ از آن جمله است کارکرد اجتماعی در قالب‌های مختلفی چون اعطای القاب باشکوه، ذکر فضائل معنوی؛ کارکرد عاطفی با گریه و سوگواری بر حمزه، یاد کردن از حمزه به هنگام وفات و در مصیبت‌ها، زیارت مزار حمزه و تشویق و تاکید به زیارت او؛ کارکرد معرفتی - فرهنگی با عزاداری بر حمزه و تبرک جستن به خاک وی و فرهنگ‌سازی برای زیارت حمزه و تشویق به الگوگیری از او؛ کارکرد سیاسی با افتخار به حمزه و خویشاوندی وی و ذکر فضائل او. این کارکردها از یکسو محبوبیت و فضائل معنوی حمزه نزد پیامبر و اهل بیت آن حضرت، اشتها و انکارناپذیری فضائل حمزه در میان همهی مسلمانان و بالابودن جایگاه او در میان مسلمانان را نشان می‌دهد و از سوی دیگر جایگاه ویژه‌ی او را در برابر امویان - به عنوان سلطه‌ی معارض اهل بیت - می‌نمایاند. حجم یادکرد از حمزه، در دوره‌ی بعد از امام حسین (ع) نسبت به قبل از آن کاهش چشمگیری می‌یابد. این کاهش را می‌توان از یک منظر تحت‌تأثیر وقوع قیام حسینی به عنوان نقطه عطفی تاریخی دانست که از ویژگی‌های شهادت حمزه به نحو اکمل برخوردار بود و از منظری دیگر می‌توان آن را ناشی از تفاوت در مشروعیت‌بخشی در دوران بنی‌امیه و بنی‌عباس محسوب کرد، چراکه بر خلاف دوران امویان، یادکرد حمزه در مشروعیت‌بخشی به عباسیان - با توجه به خویشاوندی‌شان با آن حضرت - تأثیر ایجابی داشت و موجب سوءاستفاده دشمنان اهل بیت می‌گردید.

منابع و مأخذ

۱. ابن أبی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغة لابن أبی الحدید، ۱۰ جلد، مکتبہ آیة الله المرعشی النجفی - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۴ ق.
۲. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الأشعثیات)، ۱ جلد، مکتبہ النینوی الحدیثہ - تهران، چاپ: اول، بی تا.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، الأمالی، ۱ جلد، کتابچی - تهران، چاپ: ششم، ۱۳۷۶ ش.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ۲ جلد، جامعه مدرسین - قم، چاپ: اول، ۱۳۶۲ ش.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، فضائل الشیعة، ۱ جلد، علمی - تهران، چاپ: اول، بی تا.
۶. ابن بابویه، محمد بن علی، کمال الدین و تمام النعمة، ۲ جلد، اسلامیة - تهران، چاپ: دوم، ۱۳۹۵ ق.
۷. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۳ ق.
۸. ابن حجر؛ الدراية فی تخریج أحادیث الهدایة؛ صحح وعلق علیه السید عبد الله هاشم الیمانی المدنی؛ دار المعرفة - بیروت؛ دار المعرفة - بیروت؛ توزیع: عباس أحمد الباز - مکة المكرمة.
۹. ابن حماد، الفتن؛ حققه وقدم له الاستاذ الدكتور سهیل زکار، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع.
۱۰. ابن حنبل شیبانی، أحمد، مسند أحمد بن حنبل، تحقیق: شعيب الأرناؤوط وعادل مرشد و دیگران، مؤسسة الرسالة، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق.
۱۱. ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحکام، ۲ جلد، مؤسسة آل البيت علیهم السلام - قم، چاپ: دوم، ۱۳۸۵ ق.
۱۲. ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۳ جلد، جامعه مدرسین - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۳. ابن سعد، محمد بن منیع الهاشمی البصری (م ۲۳۰)، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیة، ط الأولى، ۱۹۹۰/۱۴۱۰.
۱۴. ابن شاذان، محمد بن احمد، مائه منقبة من مناقب أمير المؤمنين و الأئمة من ولده علیهم

- السلام من طریق العامة، ۱ جلد، مدرسه الإمام المهدي عجل الله تعالى فرجه الشريف - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ۴ جلد، علامه - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ق.
۱۶. ابن طاووس، علی بن موسی، إقبال الأعمال، ۲ جلد، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ: دوم، ۱۴۰۹ ق.
۱۷. ابن طاووس، علی بن موسی، الإقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة (ط - الحديث)، ۳ جلد، دفتر تبلیغات اسلامی - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. ابن طاووس، علی بن موسی، طرف من الأنباء و المناقب، ۱ جلد، تاسوعا - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۲۰ ق.
۱۹. ابن عبد الوهاب، حسین بن عبد الوهاب، عیون المعجزات، ۱ جلد، مکتبه الداوری - ایران؛ قم، چاپ: اول، بی تا.
۲۰. ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، دار الفکر، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۵ ق.
۲۱. ابن عقده کوفی، احمد بن محمد، فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، ۱ جلد، دلیل ما - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۲۴ ق.
۲۲. ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، ۱ جلد، دار المرتضویه - نجف اشرف، چاپ: اول، ۱۳۵۶ ش.
۲۳. ابن مشهدی، محمد بن جعفر، المزار الكبير، ۱ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۹ ق.
۲۴. أبو الفداء اسماعیل بن عمر بن کثیر الدمشقی (م ۷۷۴)، البدايه و النهايه، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۷/۱۹۸۶.
۲۵. ابو الفرج اصفهانی (۲۴۲-۲۸۹ ق) الأغانی، دار احیاء تراث عربی - بیروت، اول، ۱۴۱۵ هـ ق.
۲۶. أبو نعیم الأصبهانی؛ مسند أبی حنیفه، نظر محمد الفاریابی؛ الأولى؛ ۱۴۱۵ - ۱۹۹۴ م؛ مکتبه الکوتر - الرياض.
۲۷. أحمد بن یحیی بن جابر البلاذری (م ۲۷۹)، کتاب جمل من انساب الأشراف، تحقیق

نجاتی: تحلیلی از یادکرد حضرت حمزه (ع) در سنت پیامبر اکرم و اهل بیت (ع) و کارکردهای... ۷۰

- سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دار الفکر، ط الأولى، ۱۹۹۶/۱۴۱۷.
۲۸. ازرقی، محمد بن عبد الله، أخبار مكة و ما جاء فيها من الآثار، دار الاندلس، بیروت، چاپ: اول، ۱۴۱۶ ق.
۲۹. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، مدینه معاجز الأئمة الإثنی عشر و دلائل الحجج علی البشر، ۸ جلد، مؤسسه المعارف الإسلامیة - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.
۳۰. حسکانی، عبید الله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۲ جلد، التابعة لوزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافة الإسلامیة - تهران، چاپ: اول، ۱۴۱۱ ق.
۳۱. حلی، رضی الدین علی بن یوسف بن المطهر (برادر علامه حلی)، العدد القویة لدفع المخاوف الیومیة، ۱ جلد، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۸ ق.
۳۲. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، ۱ جلد، بیدار - قم، ۱۴۰۱ ق.
۳۳. خوارزمی موفق بن احمد؛ مقتل الحسین علیه السلام، چاپ: دوم؛ انوار الهدی؛ قم؛ ۱۴۲۳ ق.
۳۴. دیلمی، حسن بن محمد، غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب أبی الأئمة الأطهار علیهم السلام، ۱ جلد، دلیل ما - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۲۷ ق.
۳۵. راوندی، سعید بن هبة الله قطب الدین، الدعوات / سلوة الحزین، ۱ جلد، انتشارات مدرسه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) - قم، چاپ: اول، ۱۴۰۷ ق.
۳۶. رفعت پاشا، ابراهیم، مرآة الحرمین - شامل سفرنامه حجاز و تاریخ و جغرافیای راهها و بقاع متبرکه آن، ۱ جلد، مشعر - تهران - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۷۷ ه.ش.
۳۷. الزیلعی، عبد الله بن عبد الرحمن السعد؛ تخریج الأحادیث والآثار؛ الأولى؛ ۱۴۱۴؛ الرياض - دار ابن خزیمه؛ دار ابن خزیمه.
۳۸. الزیلعی؛ نصب الرایة؛ اعتنی بهما: أيمن صالح شعبان؛ الأولى؛ ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م؛ مطابع الوفاء - المنصورة؛ دار الحديث - القاهرة.
۳۹. السیوطی جلال الدین؛ الجامع الصغیر؛ الأولى؛ ۱۴۰۱ - ۱۹۸۱ م؛ دار الفكر للطباعة والنشر والتوزیع - بیروت.
۴۰. شامی، یوسف بن حاتم، الدر النظیم فی مناقب الأئمة اللهمیم، ۱ جلد، جامعه مدرسین - قم، چاپ: اول، ۱۴۲۰ ق.
۴۱. شوشتری، نور الله بن شریف الدین، الصوارم المهرقة فی نقد الصواعق المخرقة (لابن حجر الهیثمی) - تهران، چاپ: اول، ۱۳۶۷ ق.

۴۲. شهید اول، محمد بن مکی، المزار فی کیفیة زیارات النبی و الأئمة علیهم السلام، ۱ جلد، مدرسه امام مهدی علیه السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۰ ق.
۴۳. ضامن بن شدقم الحسینی المدنی؛ تحفة الازهار و زلال الانهار فی نسب ابناء الائمة الاطهار؛ اول؛ دفتر نشر میراث مکتوب؛ تهران؛ ۱۳۷۸ ش
۴۴. الطبرانی، المعجم الأوسط؛ قسم التحقيق بدار الحرمین؛ ۱۴۱۵ - ۱۹۹۵ م؛ دار الحرمین للطباعة والنشر والتوزيع.
۴۵. الطبرانی، المعجم الكبير؛ تحقيق وتخريج: حمدي عبد المجيد السلفی؛ الثانية، مزیدة ومنقحة؛ ۱۴۰۴ - ۱۹۸۴ م؛ دار إحياء التراث العربی.
۴۶. طبرسی، احمد بن علی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ۲ جلد، نشر مرتضی - مشهد، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق.
۴۷. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ۱ جلد، شریف رضی - قم، چاپ: چهارم، ۱۴۱۲ ق / ۱۳۷۰ ش
۴۸. طبرسی، فضل بن حسن، إعلام الوری بأعلام الهدی ۱ جلد، اسلامیه - تهران، چاپ: سوم، ۱۳۹۰ ق.
۴۹. طبری، محمد بن جریر، و ابراهیم، محمد ابوالفضل. بدون تاریخ. تاریخ الطبری: تاریخ الأمم و الملوك. ۱۱ ج. بیروت - لبنان: [بی نا].
۵۰. طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، المسترشد فی إمامة علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱ جلد، کوشانیپور - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۵ ق.
۵۱. طبری آملی، عماد الدین أبی جعفر محمد بن أبی القاسم، بشارة المصطفی لشیعة المرتضی، ۱ جلد، المكتبة الحیدریة - نجف، چاپ: دوم، ۱۳۸۳ ق.
۵۲. طوسی، محمد بن الحسن، الأمالی، ۱ جلد، دار الثقافة - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۴ ق.
۵۳. طوسی، محمد بن الحسن، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۵۴. قتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین، ۲ جلد، انتشارات رضی - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۵ ش.
۵۵. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ۸ جلد، دار الکتب الإسلامیه - تهران، چاپ: چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۵۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی - بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.
۵۷. مفید، محمد بن محمد، الإختصاص، ۱ جلد، المؤتمر العالمی لآلئمة الشیخ المفید - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.
۵۸. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ۲ جلد، کنگره شیخ مفید - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۳ ق.
۵۹. الواقدی (م ۲۰۷)، محمد بن عمر، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، مؤسسه الأعلمی، ط الثالثة، ۱۹۸۹/۱۴۰۹.